

سپهرغرب، گروه متن زندگی: هنرهای تجسمی قابلیت زیادی در ایجاد فضا و انتقال حس و پدید آوردن شرایط مساعد برای درگیر شدن مخاطب دارند که در حاشیه هنرهای دیگر رشد می‌کنند.
ساحت رفتار افراد هم به شدت تحت تأثیر هنر است. رفتارهایی که در صورت تکرار، می‌توانند قسمت مهمی از هویت را تشکیل دهند و حتی به بخش اصلی آن بدل گردند.

هویت فردی شخص ابعاد گوناگونی دارد که هنر از طریق اثرگذاری بر همه‌ی آن ساحت‌ا، سبک خاصی از زیستن را به وجود می‌آورد. سبک زندگی را هم در چهار ساحت مهم توضیح دادیم که هر کدام از هنرها، بر روی بخشی از آن‌ها متمرکزند و البته اثراتی جدی هم بر بخش‌های دیگر دارند. هنرهای تجسمی نیز همین نقش‌ها را دارند. به ویژه گوناگونی و گسترده‌گی عجیب هنرهای تجسمی باعث می‌شود هیچ ساحتی از دسترس این هنرها دور نماند. حتی یک بررسی ساده‌ی تجربی هم می‌تواند ردپای ایسن هنرها را روی بیشش، گرایش، رفتارهای انسان و ابزارها نشان دهد. اثرات این هنرها، هم به صورت مستقیم است و تحولی در این ساحت نفسانی ایجاد می‌کنند و هم به صورت غیرمستقیم. جریان مهمی از نقاشی‌های سنتی و مدرن، اثری مستقیم بر مخاطب می‌گذارند. اغلب آن‌ها که حاوی نوعی روایت از جهان و انسان‌اند، بیشش نقاش را به نمایش می‌گذارند. در ادامه‌ی نقاشی، گرافیک پدید می‌آید که اثرات بیشش مستقیم بیشتر و آشکارتری دارد. به ویژه پس از تولد رسانه و نقش بی‌بدلی که ایفا می‌کند، گرافیک و طراحی بسیار اهمیت پیدا کرده و با شکل‌های گوناگون به سراغ مخاطب می‌رود. خوش‌نویسی به خاطر پیوند با قرآن و شعر، ارتباط تنگاتنگی با بیشش مخاطب پیدا می‌کند. خوش‌نویسی نقطه‌ی اتصال معارف شهودی و ماورایی با بیشش افراد است. تازه این اثرات مربوط به ارتباط مستقیم این هنر و مخاطب است. ویژگی برجسته‌ی این هنر آن است که توانایی انتقال در بسترهای مختلف را به مخاطب دارد. مثلاً در پرده‌های نقالی، در دسته‌ی بسیار متنوع یافتنی‌ها، مانند فرش‌ها و چاجیم‌ها، را در ظروف و ابزارهای زندگی و یا اماکن و بناهای مختلف، همه و همه، قابلیت حضور این هنر و اثرگذاری بر بیشش مخاطب وجود دارد. اما اثر اصلی هنرهای تجسمی بر بیشش افراد، به صورت غیرمستقیم است. دسته‌ی اصلی هنرهای متعددی که با ادبیات پیوند می‌خورند نیز این گونه‌اند.

هنرهای تجسمی مرتبط با شعر یا متون خاص دیگر، به ویژه قرآن، زمینه را برای ارتباط بهتر افراد با متون فراهم می‌کنند. اساساً هنر تذهیب برای همین به وجود آمده است. دسته‌ی بزرگ‌تر مربوط به هنرهای نمایشی‌اند که تأثیرات آن را شدید و عمیق می‌کنند. طراحی لباس، طراحی دکور، گریم، عکاسی و فیلم‌برداری اثری غیرقابل نفیگاتر و تئاتر و سینما دارند، به گونه‌ای که حاشیه را کاملاً در دست سبک زندگی [۱] به معنای شیوه زندگی خاص یک فرد، کرده. این جامعه است. این مفهوم در مطالعات فرهنگی به مجموعه معطوف به مدل‌ها و الگوهای هنر در فراق اطلاق می‌شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او بوده و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها، کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه می‌باشد.

سبک زندگی [۱] به معنای شیوه زندگی خاص یک فرد، کرده. این جامعه است. این مفهوم در مطالعات فرهنگی به مجموعه معطوف به مدل‌ها و الگوهای هنر در فراق اطلاق می‌شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او بوده و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها، کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه می‌باشد.

- نظم در زندگی و مدیریت زمان
انسان، برای رسیدن به کمال همواره باید از پرتو عقل مدد جوید تا به هدف خودش دست یابد. نظم و انضباط مسیری است که افراد باید در آن قرار بگیرند. نظم هم ردیف ارزش‌های والای اسلامی و راز کامیابی انسان‌ها بزرگ و راه غلبه بر سختی‌ها و یافتن قیامت‌های هاست و عامل نامین نیاپهای مادی و معنوی و دست یابی سریع به اهداف و صرف جویی در وقت و استحکام عمل است. انسان منظم از نشاط و تحرکی بیش تر برخوردار است و آینده نگر و دوراندیش می‌باشد.
- ماه مبارک رمضان فرصت طلایی برای نظم
بخشیدن به زندگی هایمان می‌باشد. انسان باید در زمان معین بخورد و بیاشامد و در زمانی دیگر خوردن و آشامیدن ممنوع می‌شود. در روز معینی روز داری شروع و تا یک ماه ادامه می‌یابد. این ناکت از مسائل است که روزه دار باید به آنها اهتمام داشته باشد و با دقت نظر در آن می‌تواند نظم را در زندگی خود تسری بخشد.
- آرامش در پرتو روزه داری
زندگی انسان امروز ملو از اضطراب و استرس است. انسان تلاشی می‌کند زندگی بدون دغدغه داشته باشد و در محیط شخصی و کاری و به طور کلی در محیط اجتماعی آرامش را برای زندگی خود فراهم کند.

روزهداری سبب آرامش روحی شده و استرس و نگرانی را از انسان روزه‌دار دور می‌کند. مسلما این امر تنها در سایه گرسنگی و تشنگی‌های بی‌هدف بدون احساسات پاک معنوی مسیر زیاده‌هاست. از آنجا که روزه سرتاسر ذکر و ارتباط با خداوند است [۲] باعث نوعی نشاط روانی در فرد می‌شود: (الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَّا يَذْكُرَ اللَّهُ نَقُطْعُنَّ الْقُلُوبَ) همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد. [۳]

روزهداری سبب آرامش روحی شده و استرس و نگرانی را از انسان روزه‌دار دور می‌کند. مسلما این

تأثیر هنرهای تجسمی بر فرهنگ و سبک زندگی

نسبت سبک زندگی و هنر:



مخاطب به وجود بیاورند که هیچ پیشینه و زمینه‌ای در مخاطب ندارند. این اثرات، طیف وسیعی دارند. از اثرات عمیق و کلی بر روح مخاطب تا اثرات مقطعی و جزئی بر روان او، گسترده‌ی عظیمی از گرایش‌های تحت تأثیر هنر را تشکیل می‌دهند.

در گرافیک ابعاد جدیدی به نقاشی اضافه می‌شود که پیوند آن را با جامعه و در نتیجه، مفاهیم جمعی بیشتر می‌کند؛ یعنی تداعی معانی طیف وسیع‌تری را شامل می‌شود. عکاسی مبنایی غیر از نقاشی دارد. با آنکه عکاسی نیز به دلیل داشتن کادر، هویت خود را از نقاشی می‌گیرد، ولی به علت توجه خاص به دنیای بیرون بدون حضور ذهن در انتخاب سبوزه، وجه هنری بسیاری را از دست می‌دهد و البته وجه جدیدی را هم پیدا می‌کند. همین توجه خاص به سبوزه در عکاسی، نقش مفاهیم را نابود می‌کند تا جای آن را به تمامه احساس بگیرد. شاید بتوان گفت عکاسی هنری بر همین انتزاع مفاهیم از دریای احساسات متمرکز است تا از این طریق، وجه هنری خویش را بازپایاند. البته اکثر عکس‌ها تنها برای انتقال احساسی شخصی یا جمعی (بدون حضور معانی) استفاده می‌شوند.

ایسن موارد مربوط به آثاری بود که به صورت مستقیم با مخاطب ارتباط برقرار می‌کرد. در مورد آثار ترکیبی مورد اشاره در بند قبل، که حاشیه‌ی هنرهای دیگر را به وجود می‌آورند، اثر چندین برابر است؛ یعنی هنرهای تجسمی قابلیت زیادی در ایجاد

تعمیر گاهی برای اصلاح سبک زندگی!

با دقت نظر در آن می‌تواند نظم را در زندگی خود تسری بخشد.

غذای زائد و اضافی در مصرف روزانه ما بسیار است و همین امر موجب اختلال دستگاه گوارش و سبب ذخیره شدن چربی‌های خراج از اندازه در بدن ماست که موجب بیماری‌های گوناگونی می‌شود. بیماری‌های خطرناکی همچون چاقی، تصلب شرائین، انسداد عروق، دیابت و ... ریشه در تغذیه زیاد و گاهی هم معول کیفیت آن است. در گذشته برای بهبودی بیماری توجه زیادی به امساک و درمان با تغذیه می‌شد. حکیم قرن ششم پیش از میلاد، فیثاغورث به شاگردانش توصیه می‌کرد تا در مواقع بیماری و نیز به منظور تذهیب نفس از نوعی امساک کمک بگیرند. سقراط– که او را پدر دانش پزشکی نامیدند– نیز برای حفظ صحت و درمان بیماری‌ها «امساک» را برای عمل حفظ ضروری می‌دانست. [۶]

ماه رمضان فرصتی است برای استراحت دستگاه‌های گوارشی و با توجه به اینکه این دستگاه در طول سال مشغول به کاربوده این استراحت ضروری است. در حدیثی از پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) آمده است: «صوما تصحوا» روزه بگیرید تا تندرست شوید. [۷] بدیهی است که هنگام سحری خوردن و یا افطار کردن نباید در خوردن و آشامیدن افراط کرد تا بتوان از آثار بهداشتی و درمانی روزه نیز بهره‌مند شد.

ا.توجه و اهتمام به مسائل سیاسی، اجتماعی از آنجا که ماه مبارک رمضان مخصوص تمامی مسلمانان است و همه در آن شرکت می‌کنند تقویت اتحاد بین مسلمانان می‌تواند به راحتی صورت گیرد. حضرت امام خمینی(ره) با در نظر گرفتن این مطلب، جمعه آخر ماه رمضان را روز قدس نامیدند و به استقبال تمامی مسلمان اعم از شیعه و سنی روبرو شد.

اساساً نمازهای جمعه در ماه مبارک رمضان با شکوه هر چه بیشتر در مقایسه با باقی سال برگزار می‌گردد که این خود فرصتی برای همگرایی افراد جامعه با سلایق سیاسی مختلف است. افطاری‌های عمومی به صورت کم هزینه در مساجد و حسینیه‌ها نیز می‌تواند همدلی و اتحاد اجتماعی را تقویت کند و مسلمانان را نسبت به مسائل اجتماعی آگاه‌تر گرداند.

- ی نوشت ها: Lifestyle
۱. خطبه شعبانیه
۲. رعد، ۲۸
۳. «خداوند حقوق بندگان را مقدم بر حقوق خود قرار داده و کسی که حقوق بندگان را رعایت کند حقوق الهی را نیز رعایت خواهد کرد». میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۸۰
۴. سفینه‌البحار، ج ۲، ص ۷۸
۵. حکمة الصوم و آثار، ص ۳۸، نشر: گروه فرهنگ اجتماعی کویت، به نقل از نقش روزه در سازندگی انسان
۶.بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۵۵
۷.فراوری، محمدی

▪ پنج‌شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۸ ▪

▪ سال یازدهم ▪ شماره ۱۴۶۷ ▪

www.sepehrpress.com

خیل عظیم هنرهای دستی، از سفال و فلز تا چینی و سبک و نیز بافتنی‌ها، از لباس تا فرش، همه و همه، هویت‌بخش ابزارهای زندگی‌اند. هویتی که از طرفی بازتابنده و مقوم فرهنگ مردم و از طرفی پیش‌برنده و مروج آن است. کارکرد مهم هنرهای تجسمی در این بخش، منعاب‌خشی به زندگی است. دمیدن روح انسانی در اشیاء و خلق طبیعتی نو در جهت زندگی خاص انسان است؛ خلقی که سعی می‌کند اشیاء و دیگر اجزای طبیعت را به‌سوی حیات انسانی ارتقاء بخشد و روحی واحد را در کالبد آنان بدمد.

▪ **نسبت هنرهای تجسمی و جامعه**

در مورد تمام هنرها مطرح شد که اگر از حد افراد جامعه فراتر روند و در شکل‌دهی به هویت جمعی سهیم نشوند، بخشی از سبک زندگی اجتماعی را می‌سازند؛ یعنی در سطحی بالاتر، همان اثرات گراشیی، بینشی، رفتاری و ابزاری هنر، به اثرات رسانه‌ای، عادت‌سی، مناسکی و تجهیزاتی تبدیل می‌گردد. همین مورد درباره‌ی هنرهای تجسمی هم درست است؛ یعنی تمام آثار مطرحه تاکنون در رابطه با مخاطب را به جامعه هم تسری دهد تا اثر اجتماعی هنر معلوم شود.

درگذشته، انتقال پیام و تبلیغ یک هویت خاص، در قالب‌های مرتبط با دو حوزه‌ی حیات ادبیات و هنرهای نمایشی انجام می‌شد تا هر دو در صورت بخشی هویت و جهت‌دهی به حرکت کلی جامعه، نقشی یگانه داشته باشند. شاید تنها هنر تجسمی‌ای که همگام با شعر و تئاتر، به‌صورت مستقیم، در انتقال پیام نقش ویژه داشت، خوش‌نویسی بود؛ اما امروزه، هنرهای تجسمی نقش ویژه‌ای در ارتقای بیشش اجتماعی و انتقال معرفت جمعی دارند.

این نقش خاص در بستر پدیده‌ای نوظهور به نام رسانه صورت می‌پذیرد. درست است که هنوز هم‌یار پیام‌های رسانه‌ای بر دوش ادبیات و نمایش است، اما به‌هیچ‌وجه نمی‌توان رسانه را نتیجه‌ی ترکیب آن دو دانست. رسانه ترکیبی پیچیده از ادبیات، نمایش، موسیقی، هنرهای تجسمی و البته تجارت است که هویتی تازه و دگرگونه یافته و جنس نویی از پیام‌ها را به شیوه‌ای نو منتقل می‌کند. هنرهای تجسمی بخش مهمی از «زبان» رسانه را تشکیل می‌دهند و به‌اندازه‌ی ادبیات و نمایش در انتقال پیام سهیم‌اند، اگر نقش بیشتر نداشته باشند. تازه این غیر از سینماست که خود «هنری» مستقل و جدید است.

سینما هم ترکیبی نوظهور از ادبیات، تئاتر، موسیقی و هنرهای تجسمی است و تجارت در آن حرف اول را می‌زند. ولی تفاوت «سینما» با «رسانه»، پدیده‌ای نوین برای «انتقال پیام» است، درحالی‌که از «هنر» است، درحالی‌که رسانه «پیام» جزء هویت رسانه و هدف وجود بخش آن است، ولی سینما هویتی غیر از «پیام‌دهی» دارد، هرچند که به‌خوبی پیچیده‌ترین پیام‌ها را منتقل می‌کند.

▪ **محمد قائم‌خانی، پژوهشگر فلسفه‌ی هنر**

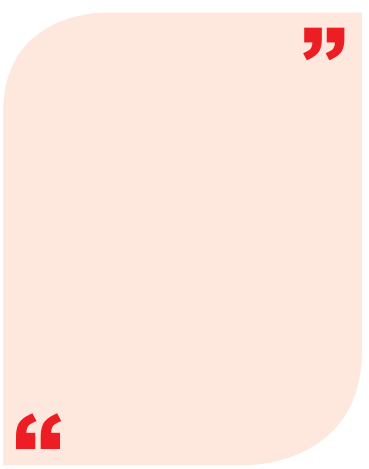
بخش اول

قسمت مهمی از هویت را تشکیل دهند و حتی به بخش اصلیل آن بدل گردند. هنرهای تجسمی، به خاطر ایستایی و سکون خاصی که دارند، اثر مستقیمی روی این بخش ندارند و با واسطه، برخی رفتارها را تشدید می‌کنند؛ اما در نسبت با هنرهای دیگر، به ویژه موسیقی و رقص و هنرهای نمایشی، الگوهای رفتاری خاصی در انسان پدید می‌آورند. مثلاً معماری و طراحی داخلی سالن‌های رقص و موسیقی، بنا بر اینکه از چه نوعی باشند، بسیار متفاوت است و اگر رعایت نشود، رفتارهای خاص به هیچ وجه رخ نخواهد داد.

بی‌دلیل نیست که سالان اجرای گروه‌های رپ مستطیل گونه و رو به خواننده و ملو از رنگ‌های قرمز و سیاه است. در برابر آن، سالن‌های رقص یاله قرار دارند که در نسبت با سن معمولاً به‌صورت دایره شکل قرار می‌گیرند و بسته به طراحی رقص، رنگ‌های گوناگونی در آن‌ها به نمایش درمی‌آید. در برابر آن‌ها، هنرهای تزئینی و طراحی به‌کاررفته در سالن‌های سمع درواشش قرار دارند که متناسب با تصوف مشرقی هستند. باز مجالس سینه‌زنی و مداحی با هر دو آن‌ها متفاوت است. در خود مجموعه‌ی عزاداری نیز هنرهای تجسمی مربوط به این مجالس، به‌کل با موارد مشابه در دسته‌های عزاداری فرق می‌کنند. نوع متفاوت عزاداری در آنجا، فضایی دیگر و هنرهایی دیگر را می‌طلبد. باز در هنرنمایشی تعزیه، مینا کاملاً عوض می‌شود و به‌تبع آن، هنرهای دیگرگون. بالکنه هنرهای تجسمی ارتباط مستقیمی با این بخش از زندگی ندارند، ولی در شکل نهایی و شیوه‌ی انجام آن‌ها اثرات متعدد و متنوعی دارند و به‌صورت غیرمستقیم، بدان‌ها جهت می‌دهند.

اما اثربخشی مهم هنرهای تجسمی بر ابزارهاست. هویت ابزارها و فضاها، با امتداد زندگی انسان تا محیط شکل می‌گیرد و سخت و محکم و صلب می‌شود که یکی از عوامل بسیار مهم در شکل‌گیری و قوام این هویت، هنرهای تجسمی است. چه در هنرهای سنتی که در تولید بسیاری از ابزارها حضور مستقیمی داشتند و چه در هنرهای جدید که بیشتر نقش حاشیه‌ای را در ساخت ابزارها ایفا می‌کنند، پیوند مستقیم هویت ابزار با هنر، مشهود و معلوم است. هر ابزاری بخشی از هویت انسانی را تجسد می‌بخشد و با فراگیر شدن، به سوی هویت جمعی حرکت می‌کند.

ازاین‌روست که نقش معماری و هنرهای تجسمی در هویت‌بخشی به جامعه، اساسی و بی‌بدیل است و می‌تواند هویت تاریخی و تمدنی را هم‌شکل دهد.



فضا و انتقال حس و پدید آوردن شرایط مساعد برای درگیر شدن مخاطب دارند که در حاشیه‌ی هنرهای دیگر، مانند معماری، ادبیات، تئاتر و سینما رشد می‌کنند.

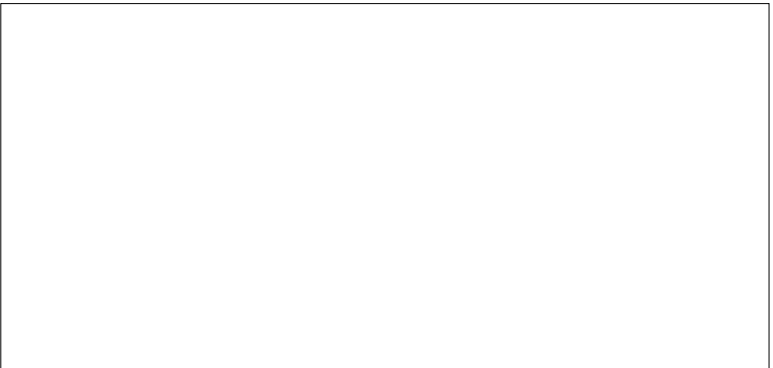
امروزه هنرهای تجسمی نقش ویژه‌ای در ارتقای بیشش اجتماعی و انتقال معرفت جمعی دارند. این نقش خاص در بستر پدیده‌ای نوظهور به نام رسانه صورت می‌پذیرد.

ساحت رفتار افراد هم به شدت تحت تأثیر هنر است. رفتارهایی که در صورت تکرار، می‌توانند

کزارشی از افول اخلاق و بحران اخلاقی در آمریکا (از گسترش بی بند باری و فساد تا ارتباطات خارج از عرف مانند همجنس‌گرایی و ...)

بحران اخلاقی در آمریکا

گنداب غربی از فساد و تجاوز



صورت آشکارا در بسیاری از مناطق دنیا دخالت نظامی دارد و رد پای او در تمامی آدم‌کشی‌ها و قتل انسان‌های بیگناه عیان است.
«مدیر تحقیقات و برنامه‌ریزی خانه آمریکایی‌لاتین می‌گوید: «حمایت آمریکا از کشتارهای رژیم سعودی دریم، حمایت از سران فاسد رژیم صهیونیستی در آواره کردن میلیون‌ها فلسطینی و کشتار هر روزه آن‌ها همه در همه بیابگر ریشه‌های فساد اخلاقی است که در نهاد این جامعه تنیده است.»

▪ **"سکس و خشونت" دو شاخصه اصلی در رسانه آمریکایی**

وی بر این باور است که نمی‌توان نقش نشان رسانه‌های آمریکا که در اختیار اقلیت سرمایه‌دار، صاحبان صنایع و بانک‌ها است را در اشاعه بی‌بند و باری و ترویج سود جوانانه نظام سلطه عدم توجه به اخلاق، ترویج مورد نظرشان جامعه را به سمت و سوی دوری از اخلاقی‌گرایی ترغیب می‌کنند. رسانه‌های آمریکایی مبلغ ارزش‌های نظام غیر اخلاقی حاکم بر آمریکا هستند، لذا در تمامی سرسرای‌ها و فیلم‌های آمریکایی دو شاخصه مهم برجسته است "سکس و خشونت."

شهرابی در ادامه این گفتگو می‌افزاید: «سرمایه‌داران آمریکایی با تصویرسازی کاذب و قلب واقعیات به دنبال نهادینه کردن ضد اخلاقیات مورد نظر خویش و القای آن به مردم این کشور و سایر مردم جهان هستند. آن‌ها سران آدم‌کش سعودی و عوام تفریحی آن‌ها را به عنوان متحد معرفی کرده و مردم صلح‌طلب ایران را به عنوان وحشی به جامعه جهانی معرفی می‌کنند. بدیهی است درسیستم سود جوانانه نظام سلطه عدم توجه به اخلاق، ترویج خشونت، فقر و مصرف گرایی نه تنها در مصرف کالا بلکه نگاه کالایی به زن حرف نخست را می‌زند.»

این کارشناس بر این باور است: «سرمدمداران دنیای غرب که ادعای دموکراسی دارند نشان زن را به اندازه کالایی برای فروش کالاهای دیگر نازل کرده‌اند؛ لذا از چنین جامعه‌ای نمی‌توان انتظار ترویج اخلاقیات یا نهادینه شدن رفتارهای انسانی را داشت.»

آمریکا با سرعت بسیاری رو به افول در حرکت است و در این میانه بحران اخلاقیی از مهمترین مسائلی است که جامعه آمریکایی را درگیر خود کرده است.

با این حال به نظر می‌رسد ایسن موج از بحران اخلاقی در آمریکا نه خواسته مردم بلکه مولود سیاستهای لیبرالی سیاستمداران و سرمایه دارانی است که قصدی جز مشغول نگه‌داشتن توده ملت آمریکایی برای رسیدن به اهداف خود نداشته اند اما حالا خود نیز در آن گرفتار آمده اند.

▪ **بحران اخلاقی ناشی از تأثیر اهداف سرمایه‌داران آمریکایی**

«عبدالحمید شهرابی»، مدیر تحقیقات و برنامه‌ریزی خانه آمریکایی‌لاتین در این خصوص در گفتگو با ما مطرح کرده‌است: «جامعه آمریکا سنبیل و نمونه‌ای جامع از تحقق نظام سرمایه‌داری است. آنچه به عنوان بحران اخلاقی در آمریکا مطرح می‌شود ناشی از تاثیرگذاری‌ها و اهداف مورد نظر سرمایه‌داران این کشور است. هنگامی‌که همه مؤلفه‌های انسانی و اخلاقی تنها وابسته به سودجویی و سوو مجوری اقلیت اندکی باشد که منافع کشور و حتی منافع سایر کشورها را برای خود طلب می‌کنند، به طور اجتناب‌ناپذیری شاهد ارتباطات غیر انسانی و انحطاط اخلاقی خواهیم بود.»

وی عنوان می‌کند: «درباره کشور و حکام آمریکایی سخن می‌گویم که نسبت به صدها هزار آواره بی‌خانمان به عنوان شهروندان خود بی‌توجه است؛ در حالی‌که ثروتمندترین انسان‌های دنیا در آن کشور زندگی می‌کنند.»
شهرابی می‌گوید:«افزایش فقر و گسترش فساد اخلاقی نمود بحران فرهنگی و اخلاقی دراین کشور است. بی توجهی طبقه سرمایه‌دار و مسئولان این کشور به موضوعات اجتماعی از قبیلل درمان و بهداشت مردم آمریکا بیانگر عدم اعتنای آن‌ها به نیازهای مردم جامعه است. هنگامی‌که دهها میلیون نفر از مردم آمریکا تحت هیچ پوشش بیمه‌ای نیستند و از امکانات درمانی محروم هستند می‌توان به افول اخلاق در آمریکا پی برد.»

▪ **سقوط اخلاقی در آمریکا**

وی معتقد است: «بی شک فقر و سود جویی فساد زاست. عدم پایبندی حکام آمریکایی به اخلاق منجر به سقوط اخلاق و افزایش فساد دراین کشور شده است. آنچه برای مسئولین و سرمایه داران آمریکایی مهم است تبدیل کردن یک دلار به دو دلار است. ما از جامعه‌ای سخن می‌گویم که به